



## پایان کار در واشنگتن آغاز راه در تهران

مهدی محمدی

رأی‌گیری روز پنجشنبه گذشته سنا عملاً به کار بررسی توافق هسته‌ای در کنگره پایان داد و ثابت کرد بر خلاف آنچه در چند هفته گذشته مکرراً ادعا شده بود، کنگره آمریکا چندان هم مخالف برجام نیست.

در حالی که هنوز موضع رسمی و نهایی ایران روشن نیست، کار بررسی برجام در آمریکا تکمیل شده و دولت آمریکا معنی برای اجرای آن در پیش ندارد.

بیش از ۲ ماه جنجال در واشنگتن میان کنگره و دولت بر سر مطلوبیت یا عدم مطلوبیت توافق نهایی، حاوی درس‌های مهمی است که نباید به سادگی از کنار آنها گذشت.

یکم - شور و هیجان ناشی از مباحثات در این باره قبل از هر چیز رازهای مهمی را افشا کرده است. برخی از آنچه مقام‌های دولتی آمریکا در این مدت گفته‌اند، بی‌شک مطالبی است که در وضعیت عادی هرگز حاضر به بیان آنها نبودند و این تنها فشار سیاسی طاقت‌فرسای مخالفان بود که باعث شد این «رازهای مگو» علنی شود.

مهم‌تر از این، مجادله کنگره - دولت درباره برجام، هم پیش‌فرض‌های دولت آمریکا در امضای این توافق با ایران را آشکار کرد و هم به نمایان شدن تفسیر خاصی انجامید که مقام‌های دولت آمریکا آن را «یگانه روایت معتبر از برجام» می‌دانند و طبعاً نوبت اجرا که برسد براساس آن عمل خواهند کرد. از جمله: مقام‌های دولتی آمریکا در این مدت تردیدی باقی نگذاشتند که توافق با ایران تنها گزینه واقعی روی میز آنها بوده و در صورت عدم توافق نه تنها گزینه دیگری در اختیار نداشتند بلکه می‌دانستند

همین گزینه‌های فعلی - بویژه تحریم‌ها - را هم از دست خواهند داد. به تعبیر دقیق‌تر، دولت آمریکا به این جمع‌بندی رسیده بود که افزایش تحریم‌ها این بار نه فقط موجب افزایش فشار بر ایران نمی‌شود بلکه از طریق شکست اجماع بین‌المللی عملاً سرجمع فشار بر ایران را کاهش خواهد داد. علاوه بر این، این مباحثات نشان داد دولت آمریکا عمیقاً به این جمع‌بندی رسیده بود که گزینه نظامی یک گزینه معتبر نیست و حتی ارزش تبلیغاتی خود را هم از دست داده است. همچنین تصمیم‌گیرندگان امور ایران در دولت آمریکا در این دو ماه، بارها و به زبان‌های مختلف تأکید کردند دولت اوباما مدت‌ها پیش به این نتیجه رسیده بود که استراتژی باز کردن پیچ و مهره‌های برنامه هسته‌ای ایران (یا به اصطلاح «غنی‌سازی صفر») کارآمد نیست

و باید راهی برای کنار آمدن با غنی‌سازی در ایران پیدا کند. یک نکته دیگر که می‌توان آن را فصل مشترک اظهارات مدافعان توافق در ۲ ماه گفت‌وگو آتشین با مخالفان دانست این است که مدافعان برجام اصرار دارند اجرای درازمدت این توافق در ایران، محیط داخلی ایران را تغییر خواهد داد و بنابراین ۱۵ سال دیگر، زمانی که توافق به انتهای کار خود برسد، ایرانی نوین بر سر کار خواهد بود که یا اساساً علاقه‌ای به پیگیری برنامه هسته‌ای نخواهد داشت یا اینکه برنامه هسته‌ای آن دیگر یک تهدید برای آمریکا نخواهد بود. و آخرین نکته هم این است که تقریباً همه مقام‌های آمریکایی به نوبت تأکید کرده‌اند از دید آنها توافق هسته‌ای نه پایان...

ممانده است و در مقابل، سیلی از مهاجرت‌ها از سر اضطرار به سمت کشورهای اروپایی به راه افتاده است. از منظر دیگر به مسأله پناهجویان که بنگریم بحرانی دوسطحی یا دولایه را می‌توانیم مشاهده کنیم. وضعیت کنونی کشورهای منطقه و جغرافیای تاریخی غرب آسیا و شمال آفریقا که در حال حاضر مؤلفه‌های بازتولیدکننده بحران به شمار می‌رود، دست‌ساخته غربی‌ها در سال‌های پس از جنگ نخست جهانی است. پس از آن بخش مهمی از آرای نظریه‌پردازان توسعه‌نیافتگی مطوف به رصد نقش قدرت‌های استعمارگر در عقب‌ماندگی چندجانبه جهان سومی‌ها از جمله کشورهای خاورمیانه شد که می‌توان آن را ریشه وقایع کنونی منطقه دانست. به این ترتیب رخدادهای کنونی خاورمیانه و عوامل آوارگی پناهجویان را می‌توان ناشی از نقش دوگانه کشورهای غربی و اروپایی‌ها در قامت نقشی تاریخی و سپس نقشی سیاسی مورد توجه قرار داد. نکته جالب توجه‌تر مدعی بودن دولت‌های غربی و اروپایی در حوزه حقوق بشر است. به بیانی کشورهای غربی در حالی خود را در جایگاه مدعی‌العموم جهان در زمینه حقوق بشر قرار داده‌اند که خود بنیان نقض حقوق بشر در عرصه بین‌الملل به شمار می‌روند. از این رو است که قلمروی کشورهای اروپایی را می‌توان مدفن حقوق بشر و به بیان دقیق‌تر مدفن حقوق پناهجویان در زمان کنونی دانست. هنرمندی لاتوسی با نگرشی نقادانه به وضعیت کنونی اقدام به طراحی و ایجاد خانه‌هایی به حجم یک مترمکعب یعنی چیزی به اندازه حجم قبر یک انسان برای سکونت پناهجویان کرده تا دفن حقوق بشر در ممالک اروپایی را به نمایش بکشد؛ اقدامی که در روزهای گذشته در برخی رسانه‌های خارجی بازتابی قابل توجه یافت.



شوی میهمان‌نوازی از پناهجویان به ۱۰ روز هم قد نداد

# اروپا بی‌نقاب

سیالیت پناهجویانه به سمت مدفن باختری

### نما

شوی رسانه‌های میهمان‌نوازی اروپایی‌ها به ۱۰ روز هم قد نداد و حالا پروپاگاندا پناهجویان در قلب قاره سبز دوباره جایش را به همان جنگ قدیمی با مهاجران غیرقانونی داده است و جناب شینگن بشردوست به مرخصی مصلحتی فرستاده شده است. کمتر از ۲ هفته پس از فریاد دلخراش اما خاموش آیلان کودک ۳ ساله کرد سوری بر ساحل مدیترانه، حالا جنگی خونین در مرزهای صربستان و مجارستان برای بستن راه آوارگان جنگ و فقر در خاورمیانه در گرفته است. حتی کراسوی هم که اندک زمانی مرزها را به روی این موج مهاجران عمدتاً سوری و افغان گشوده بود خیلی زود مرزها را بست. البته شرق اروپایی‌ها از ابتدا مخالف ورود پناهجویان بودند و همانند غرب اروپایی‌ها نقش بازی نکردند. آلمان که اول زست فرشته نجات را می‌گرفت، وقتی نیروی کار ارزان مورد نیازش را گرفت درها را بست و قبل از آنها پسر عموهایی اتریشی نوع دوستی را فراموش کردند. اگرهم آنها مجارها را به خاطر رفتارشان سرزنش می‌کنند به خاطر دور بودنشان از کانون بحران است. دیوید کلمرون که فردای مرگ آیلان گفته بود ده‌ها هزار پناهجو را در انگلیس می‌پذیرد به کمپ آوارگان سوری در لبنان سر می‌زند تا جهت بحث را عوض کند و فرانسه نیز از اول جز تعارف دورادور جلوی مرزهای بسته کاری نکرد.

به جاده‌های اتریش و آستانه اسناددستی صدراعظم آلمان (!) برسانند تا شاید در اردوگاه‌های این کشور در شرایطی شبه‌انسانی، پذیرش آنان مورد بررسی قرار گیرد. در کنار آلمان، بنا بر اذعان رسانه سلطنتی انگلیس آی‌بی‌سی، با وجود تبلیغات گسترده بشردوستانه سران لندن از ابتدای بحران سوری تنها ۲۱۶ سوری در انگلیس مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. دولت‌های شمال اروپا نظیر هلند، آلمان و انگلیس به‌رغم تلاش برای دغدغه‌مند نشان دادن خود در بحران آوارگان بویژه پناهجویان سوری، طی سال‌های گذشته بیشترین شدت عمل را در برابر آنان نشان دادند و کشورهای جنوب آیا به عبارتی، نخستین مقاصد ورود مهاجران به اروپا نظیر ایتالیا، قبرس و یونان را برای کنترل مرزها و جلوگیری از سرازیر شدن مهاجران به سمت شمال تحت فشار قرار داده‌اند. کشورهای کرانه جنوبی و شرقی اروپا در کنار برخی سازمان‌های بین‌المللی همچنین از اهمال دولت‌های

دکتر سعید ملکی: جاده‌های کشورهای اروپایی این روزها میزبان هزاران پناهجویی است که بازمانده کشتارشدگان غرب آسیا، قاچاقچیان انسان، مرزبانان مسلح به باتوم، گاز اشک‌آور و تیغ‌های خراشنده سیم‌های خاردار به شمار می‌روند. مهاجرانی که جان خود را برداشته و با بیم بسیار و امیدهای موهوم به سوی اردوگاه‌های پناهجویان کشورهای اروپایی رهسپار شده‌اند. این روزها البته افکار عمومی جهان در پی انعکاس بخش بسیار کوچکی از «آلام» یا به عبارتی صحیح‌تر «فجایع» مرگ دردناک پناهجویان در رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی تلنگری خورده و واکنش‌هایی از خود بروز داده است. در پی انگیزش خشم عمومی از فجایعی نظیر خنگی پناهجویان در ارباه‌ها و سفینه‌های مرگ در خشکی و دریا بویژه از پس انتشار تصویر جسد کودک سوری بر شن‌های سواحل ترکیه، حتی برخی سیاستمداران نیز از خود واکنش نشان داده‌اند تا خود را تا حدی از زیر بار شماتت افکار عمومی جهانیان رها کنند.

با افزایش چشمگیر شمار پناهجویان غرب آسیا و شمال آفریقا بویژه سوری‌های مهاجر از آشوب و جنگ، صدراعظم آلمان از نخستین سیاستمدارانی بود که در مقایسه با همتایان اروپایی خود از شدت عمل در برابر پناهجویان کاست و اعلام کرد شماری از آنان را در قلمروی کشور خود می‌پذیرد.

طی روزهای اخیر انگلیسی‌ها هم وعده دادند ۱۰۰ میلیون پوند برای بحران پناهجویان هزینه خواهند کرد اما کیست که نداند سران فریبکار غرب به‌عنوان بنیان اصلی آوارگی و مصائب پناهجویان، بیشتر به دنبال راه انداختن سوهای تبلیغاتی از چنین اقداماتی هستند. از میان میلیون‌ها آواره خاورمیانه‌ای تنها ۳هزار تن توانسته‌اند از شرق اروپا بگذرند و خود را به غرب برسانند. حتی برخی سیاستمداران نیز از خود واکنش نشان داده‌اند تا خود را تا حدی از زیر بار شماتت افکار عمومی جهانیان رها کنند.

بپذیرد. خدایی که توبه‌پذیر است، چگونه است که با بدخلاق چنین سخت می‌گیرد؟ «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِّنْ دُنْبٍ وَقَع فِي ذُنْبٍ أَكْبَرٍ مِنْهُ» «پروا وقتی از گناهی توبه کرد، در گناهی بزرگ‌تر واقع می‌شود». بدخلاق وقتی ملکه یک نفر شد، همواره در گناه است و هر چه توبه کند، نمی‌تواند توبه خود را نگه دارد و گناهی دیگر که بزرگ‌تر از پیشین است، سراغ او می‌آید. چنین فردی چه جایی برای توبه و قبول توبه دارد؟ حالا خودتان مقایسه کنید، بدخلاق‌های سیاسی و رسانه‌ای و فضاهای مجازی را که متأسفانه جامعه ما

### اخلاق نیکو

در حد بالایی گرفتار آن است.

راه فرار از این فساد بزرگ که هم ایمان ما را از بین می‌برد و هم جامعه را زشت می‌کند، اخلاق نیکو است، زیرا همان‌گونه که بدخلاق در پیشگاه خاندن بی‌ارزش است، خوش‌اخلاق قیمت دارد و به این دلیل است که اولی دعایش مستجاب نیست و کارش جلو نمی‌رود و دومی دعا که می‌کند، به اجابت می‌رسد. این حکایت از ارزش افراد و تفاوت آن نزد خدا دارد. نکته‌ای که چندین بار تذکر شده است، اینکه انسان مومنی که عمل صالح دارد، با هر کار خوبی مقامش بالاتر می‌رود و به خدا نزدیک‌تر می‌شود زیرا روح مومن بسا هر عمل خوبی صیقل بیشتری می‌خورد و صاف‌تر می‌شود و برای تقرب به خدا آماده‌تر می‌شود و اینکه می‌گویم حسن خلق به انسان ارزش می‌دهد، به همین معناست که روح را آماده تقرب می‌کند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «مَا يَوْضَعُ فِي مِيزَانِ أُسْرِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ



آیت‌الله العظمی

حجت‌الاسلام والمسلمین  
سید سعید الواسانی:  
بدخلفی ردیله‌های اخلاقی است که توبه هم ندارد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شده است. «أَبَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِصَاحِبِ الْغُلُقِ السَّئِمِيِّ بِالتَّوْبَةِ» «الکافی، ج ۲، ص ۳۲۱» «خدای عزوجل بسا ندارد که توبه بدخلاق را بپذیرد. خدایی که توبه‌پذیر است، چگونه است که با بدخلاق چنین سخت می‌گیرد؟ «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِّنْ دُنْبٍ وَقَع فِي ذُنْبٍ أَكْبَرٍ مِنْهُ» «پروا وقتی از گناهی توبه کرد، در گناهی بزرگ‌تر واقع می‌شود». بدخلاق وقتی ملکه یک نفر شد، همواره در گناه است و هر چه توبه کند، نمی‌تواند توبه خود را نگه دارد و گناهی دیگر که بزرگ‌تر از پیشین است، سراغ او می‌آید. چنین فردی چه جایی برای توبه و قبول توبه دارد؟ حالا خودتان مقایسه کنید، بدخلاق‌های سیاسی و رسانه‌ای و فضاهای مجازی را که متأسفانه جامعه ما

أَفْضَلُ مِنْ حَسَنِ الْخُلُقِ» «الکافی، ج ۲، ص ۱۹۹» «در میزان کسی برتر از حسن خلق گذاشته نمی‌شود». در قیامت، حق میزان سنجش انسان‌هاست: «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ» «القرآن، ص ۸» هرکس به حق نزدیک‌تر باشد، برتر است و ارزش بیشتری نزد خدا دارد. روایت شریف می‌فرماید: در قیامت اخلاق نیکو برترین است، پس ارزش انسان خوش‌اخلاق از دیگران بیشتر است. ادامه در صفحه ۵

بازگشت همه به‌سوی اوست  
سرکار خانم دکتر کبری خزعلی  
رئیس محترم شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده  
ارتحال اندوهبار یار دیرین انقلاب اسلامی  
پدر بزرگوار تان مرحوم آیت‌الله خزعلی را تسلیت عرض می‌نمایم  
وطن امروز

«آگهی مزایده الکترونیکی سراسری  
۱۷۱ اموال منقول از طریق سامانه  
مزایده الکترونیک دولت»  
م الف ۱۹۴۵  
سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی  
رجوع به صفحه ۵

## زنده باد انقلاب یا زنده باد الیگارش؟

ایران امروز با نزدیک شدن به دهه چهارم انقلاب خود، به مرحله تضاد سر نوشت‌ساز الیگارش با انقلاب اسلامی رسیده است  
امروز مرز اصلی نیروهای سیاسی بین «جبهه «انقلابیون» و «نومحافظه‌کاران» تقسیم شده است



دکتر حمیدرضا اسماعیلی

بخش سوم - آیا از الیگارش گریزی هست؟ پاسخ به این پرسش مهم در تعیین جهت اندیشه سیاسی اهمیت بسیاری دارد. در واقع مهم‌ترین مرزی که «الیتیت»‌ها را از دیگر گرایش‌های سیاسی جدا می‌کند، همین‌جاست. الیتیت که «تخیه‌گرایی» تعبیر نادرستی از آن به شمار می‌آید، ادعای واقع‌نگری و رئالیسم دارد و از این رو، کنه واقعیت سیاست را «هرگزیدگان» یا «خواص» می‌داند اما در این میان خواص صاحب قدرت اقتصادی، اعم از فنودال‌ها و بورژواها بر دیگران ارجح هستند و بازی اصلی قدرت در سیاست به دست آنهاست که در اصطلاح آنها را «الیگارش» می‌نامیم.

الیتیت هر نوع نگاه آرمان‌گرایانه به نظام‌های سیاسی را که در آنها ماهیت الیگارشیک حکومت‌ها در نظر گرفته نشود، غیرواقعی و آرمان‌گرایانه ارزیابی می‌کند. از این منظر حکومت صرفاً مونارشیک و دموکراتیک وجود ندارد. همه رژیم‌ها و نظام‌های سیاسی یا هر شکل و هویتی، حقیقت و ماهیتی الیگارشیک دارند. یعنی قرار و قوام و استحکام و ماندگاری هر حکومت به خاندان‌ها و تبارهای صاحب‌ملک و سرمایه‌های است که در رأس آن قرار دارند. در جهان سیاست حکومت‌های خالص دموکراتیک و مونارشیک وجود ندارد و حتی این حکومت‌ها نیز ماهیتی الیگارشیک دارند. از اینجاست که دموکراسی با آن فلسفه کلاسیک افسانه‌ای

بیش تفسیر نمی‌شود و دادن قدرت‌های بی‌حد و حساب به سلاطین و پادشاهان بزرگ بدون در نظر گرفتن خاندان‌ها و گروه‌های قدرت در دربار، وهم و خیالی تاریخی و انتزاعی تصور می‌شود. ستون اصلی هر حکومت وجود خاندان‌های قدرت است که البته مقوله ثابتی نیست و می‌تواند بسیار آرام در حال دگرگونی باشد و در طول یک یا چند سده چند خاندان جای خود را به خاندان‌های جدیدتری بدهند. یا اینکه با وقوع یک انقلاب، خاندان‌های حاکم به یک‌باره از صدر به ذیل کشیده شوند، اگرچه شاید برای آرمان‌گرایان سیاسی در هر شاخه و گرایشی باور این موضوع سخت باشد اما از نگاه الیتیتی، وجود الیگارشیک در حکومت‌ها واقعیتی است که از آن گریزی نیست. قطعاً افرادی که «هردم‌سالاری» و «عدالت» را آرمان بزرگ سیاسی می‌دانند به راحتی تسلیم این تگرش به قدرت و سیاست نخواهند شد.

برای دریافت و فهم این پدیده، پاسخ به پرسش اساسی پیش‌رو مهم است: «کدام سیاسی» است حکومت در گرو چیست و کتب منابع قدرت، یک حکومت را استوار نگاه می‌دارند؟ در پاسخ به پرسش بالا به‌طور عمده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- ایدئولوژی و مشروعیت سیاسی بالا، ۲- قدرت نظامی و قضایی، ۳- بوروکراسی، ۴- در اختیار داشتن منابع غنی اقتصادی، ۵- انسجام و وحدت خاندان‌های پر قدرت و بانفوذ که از آنها به عنوان اشرافیت، طبقه ممتاز و الیگارش می‌یاد می‌شود. روشن است همه موارد بالا منبع قدرت هستند اما سخن این است که کدام اولویت دارد و به عنوان «پارادایم» به کار می‌رود.

پاسخ به این پرسش ممکن است در مکتب‌های متضاد مشابه باشد و برعکس. به طور مثال مارکسیسم کلاسیک و الیتیتسم که در دو زاینده تحولات قرن ۱۹ هستند، به‌رغم تضادهای فراوان اما در یک نقطه به اشتراک می‌رسند. یعنی هر دو معتقدند اصل قدرت در حکومت به طبقه ممتاز و بالای جامعه تعلق دارد که آن را «الیگارشیک» می‌نامیم. اگرچه مارکسیسم بارویکر داده‌الیتیتی دآوری متفاوتی از الیتیتسم محافظه‌کار دارد اما به هر طریق هر دو، واقعیت الیگارش را می‌پذیرند.

ادامه در صفحه ۵